

# تبیین و ترسیم چرخه مدیریت تولید علوم انسانی – اسلامی «با رویکرد الگوی مدیریت شبکه ای»

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالعلی رضایی

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی قم

پاییز ۹۲

ارائه به دومین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی



## فهرست

مقدمه.....	۴
۱. بیان مسئله.....	۵
۱,۱. بعد نظری مسئله.....	۶
۱,۲. بعد ساختاری مسئله.....	۶
۲. پشینه مدیریت شبکه ای تحقیقات.....	۶
۳. ضرورت مدیریت شبکه ای در تولید علوم انسانی - اسلامی.....	۷
۴. تعریف شبکه.....	۹
۵. مبانی.....	۹
۶. اهداف مدیریت شبکه ای.....	۱۰
۶,۱. اهداف اصلی.....	۱۰
۶,۲. اهداف های فرعی.....	۱۰
۷. سیاست ها.....	۱۰
۸. اصول کاربردی مدیریت شبکه ای.....	۱۰
۹. ویژگی های الگوی مدیریت شبکه ای.....	۱۱
۹,۱. ویژگی های مرکز راهبری مدیریت شبکه ای تولید علوم انسانی - اسلامی.....	۱۱
۹,۲. ویژگی های سلول های الگوی شبکه ای.....	۱۲
۱۰. الگوی پیشنهادی در چرخه مدیریت تولید علوم انسانی - اسلامی.....	۱۲
۱۰,۱. محتوای علوم انسانی - اسلامی.....	۱۲
۱۰,۲. ارکان مدیریت شبکه ای تولید علوم انسانی - اسلامی.....	۱۳
۱۰,۲,۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی.....	۱۳
۱۰,۲,۲. حوزه علمیه.....	۱۴
۱۰,۲,۳. اندیشکده و فرهنگستان.....	۱۴
۱۰,۲,۴. پژوهشگاه.....	۱۶
۱۰,۲,۵. آزمایشگاه.....	۱۶
۱۰,۲,۶. دانشگاه (آموزشگاه).....	۱۷
۱۰,۳. مناسبات محیطی مدیریت شبکه ای.....	۲۰
۱۰,۳,۱. چگونگی هدایت و بهره وری از شبکه علمی.....	۲۰
۱۰,۳,۴. «برنامه» تعامل شبکه های علمی.....	۲۲
۱۱. سیاست های تحقق مدیریت شبکه ای علمی.....	۲۳
۱۲. جمع بندی.....	۲۵
منابع.....	۲۷

## تبیین و ترسیم چرخه مدیریت تولید علوم انسانی – اسلامی با رویکرد الگوی مدیریت شبکه ای

### چکیده

الگوی شبکه ای ساختاری مناسب برای مدیریت و مشارکت حداکثری نظام علمی کشور در تولید علوم انسانی – اسلامی می باشد که در آن تولید رقابتی علوم انسانی – اسلامی بر اساس نیازمندیهای بوم فرهنگ دینی امکان پذیر می شود.

الگوی مدیریت شبکه ای فضای حداکثری برای نواندیشی و آزاد اندیشی، که وصف اصلی اسلامی در فعالیت های علمی است، فراهم می سازد تا از این طریق، ساختار علمی موجود کشور به یک ساختار علمی مستقل، نو و پویا مبدل شود حداکثر همگرایی، همفکری و همکاری در رشد، گسترش و تکامل علمی محقق گردد. تا مادامی که نهادهای علمی کشور زیر پوشش یک مدیریت شبکه ای سازماندهی نشوند امکان تولید هماهنگ و انبوه علوم به خصوص در علوم انسانی، اسلامی تحقق نخواهد یافت.

ارکان الگوی مدیریت شبکه ای شامل شورای عالی انقلاب فرهنگی که نقش قرارگاه و مرکزیت شبکه را داراست. حوزه های علمیه در تولید علوم انسانی – اسلامی، عضو رکنی شبکه محسوب می شوند و در بالاترین سطح بنیادی ایفای نقش می کنند و مفاهیم پایه و بنیادی را به وسیله روش اجتهادی از متن آیات و روایات استخراج کرده و در اختیار اندیشکده ها و فرهنگستان های علوم انسانی قرار می دهند تا اقدام به تئوری پردازی نمایند. در مرحله بعد، پژوهشگاه های وابسته به هر اندیشکده و فرهنگستان به شرح و بسط نظریه پرداخته و برای آن اقدام به تولید فلسفه و روش تحقیق نظری، کتابخانه ای و میدانی می نمایند.

در مرحله چهارم آزمایشگاه تحت اشراف هر اندیشکده و فرهنگستان در فضای آزمایشگاهی میزان کارآمدی نظریات تولید شده را آزمایش و اندازه گیری می کند. در مرحله پنجم دانشگاه، نظریه آزمایش شده را از طریق روش های تحقیقات نظری، کتابخانه ای و میدانی تطبیق می دهد تا تبدیل به علم قابل تفاهم و انتقال گردد.

**کلید واژه:** الگوی مدیریت شبکه ای، شبکه علمی، ارکان، مفاهیم اعتقادی، اخلاقی، تکلیفی

## مقدمه

مقاله حاضر سعی دارد یک الگوی مدیریت شبکه ای در مقیاس ملی در خصوص تحول و مدیریت تولید علوم انسانی - اسلامی به نمایش بگذارد، این شبکه علمی از یک سو پذیرای حضور حداکثری نظام علمی جامعه اسلامی است و از سوی دیگر تولید رقابتی علوم انسانی - اسلامی براساس نیازمندی های بوم فرهنگ دینی و بوم جغرافیای ایران را امکان پذیر می کند؛ در مدیریت شبکه ای توجه به اصالت اختیار و آزاد اندیشی وصف اصلی نظام اسلامی در تحرک علمی محسوب می شود. ایجاد مدیریت شبکه ای مورد نظر می تواند سازمان علمی موجود کشور را به یک شبکه بالنده، پیشرو و نو مبدل کند تا از این طریق بتوان به افق های جدیدی از علم با حداکثر کارایی دست پیدا کرد.

تحول در علوم انسانی از ارکان و الزامات انقلاب فرهنگی محسوب می شود که بدون آن نمی توان اقدام شایسته ای برای تمدن سازی نوین اسلامی انجام داد.

«به نظر می رسد در حال حاضر، الگوی منسجمی بر نهادهای علمی، حاکم نیست. اما با اغماض و تسامح می توان از الگویی شبیه «الگوی مکانیکی» که با ویژگی هایی نظیر ایستائی، انتزاع نگری و موزائیکی کردن واحدهای هدف همراه است بر وضعیت کنونی تطبیق نمود.

این الگو در دوران گذار و پس از یک بازه زمانی می تواند به یک «الگوی دینامیکی»، با ویژگی های نظیر «پویائی، کل نگری، هوشمندی نسبی و تقلیل درصد حضور آمرانه راهبران در سیاست گذاری، برنامه ریزی، سرپرستی، پایش و پیمایش» تبدیل شود.

لذا در وضعیت مطلوب، باید از یک الگوی کامل تر همچون «الگوی ارگانیکی»، با ویژگی های نظیر کمال یافتگی در حوزه «ارتباطات»، نگاه سیستمی در «حمایت، هدایت و نظارت»، هوشمندی کامل در حوزه «اطلاعات علمی» و تبدیل مدیریت نیمه متمرکز به یک مدیریت «افقی غیرمتمرکز کاملاً شبکه ای» بهره گرفت؛<sup>۱</sup>



<sup>۱</sup> شهریور ۸۸، طرح کلیات الگوی مدیریت شبکه ای کلان دستگاه های فرهنگی، گروه پژوهشی راهبردی فرهنگستان علوم اسلامی.

با پذیرفتن این ضرورت نیازمند آن هستیم که:

۱. روابط درونی و بیرونی شبکه علمی تحول و تولید علوم انسانی - اسلامی را در قالب یک طرح اولیه اما واقعی و شفاف ارایه داد.
  ۲. این شبکه علمی در یک فرآیند به عنوان یک نظام کارآمد و ارزشمند باید به تفاهم اجتماعی برسد و راهی به دور از رفتارهای دستوری برای مقبولیت اجتماعی آن پیدا کرد.
  ۳. با بهره گیری از ظرفیت عقلانیت جمعی و مشارکت اجتماعی، به نهادینه سازی این شبکه علمی اهتمام نمود. در این صورت می توان امید داشت که شبکه پیشنهادی در یک بازه «میان مدت» به سازمان اصلی تولید علوم انسانی - اسلامی در کشور مبدل شود.
- نخست باید به این پرسش پاسخ داد که آیا این شبکه علمی پیشنهادی، سازمان علمی موجود کشور را متورم تر و بزرگ تر نمی کند؟ آیا وجود این شبکه، نظام علمی کشور را پرهزینه تر نمی کند؟ اگر چه تحول دارای هزینه هایی است اما در پاسخ باید گفت که اولاً شبکه ها برای بهینه سازی سازمان های علمی موجود طراحی می شوند و اصولاً مدیریت شبکه ای برای پرهیز از سازمان طولی طراحی شده است و سازمان های طولی همواره پرهزینه و متورم هستند. دوم آنکه در فضای موجود به علت عدم شفافیت و روابط ارگانیک علمی کشور، تعدادی اندیشکده و فرهنگستان، تعداد زیادی پژوهشگاه و... وجود دارد که دارای یک دستور کار و یک روش و اندیشه همسان نیستند. در اصل شبکه ای تعریف کردن سازمان موجود علمی باعث بهینه سازی جایگاه ها، شفاف شدن ماموریت ها، ارتقا کارآمدی و انسجام، هماهنگی در تولید علوم انسانی - اسلامی بصورت نظام مند و غیر متمرکز خواهد شد.
- جا دارد که یادآوری شود، الگوی مدیریت شبکه ای ارائه شده دارای مباحث مفصل و دقیقی است، اما مقاله حاضر تلاشی است موجز که سعی دارد تا حد ممکن ساده بیان شود. بدیهی است که مبانی استدلالی مبحث پیشنهادی نیز باید در مقاله ای مجزا ارائه گردد.

## ۱. بیان مسئله

یکی از مهمترین مشکلات در عرصه تولید علم دینی خصوصاً علوم انسانی - اسلامی، عدم همدلی، همفکری و همکاری میان نهادهای فعال در این عرصه می باشد. فقدان مکانیسم مناسبی جهت همکاری های بین سازمانی در نهادهای علمی، موجب شده است، تا بسیاری از فرصت های قابل بهره برداری در شکل جمعی به تهدید مبدل شده و پاره ای مشکلات که با اندک همکاری قابل حل می بود به معضلی جدی تبدیل گردد.

اما نکته مهم این است که عدم همکاری و هماهنگی نهادهای علمی مسئله اصلی نیست بلکه عارضه و جلوه مشهود مسائلی ریشه ای است. که جهت ارائه هر گونه راه حل اساسی بایست ابعاد و علل این عارضه از دو بعد، مورد تحلیل قرار گیرد:

## ۱.۱. بعد نظری مسئله

فقدان یک الگوی جامع راهبردی در عرصه تولید علم عموماً و در حوزه تولید علوم انسانی - اسلامی خصوصاً نوعی گسستگی در ابعاد مختلف را موجب شده است. این انقطاع نه تنها در خصوص گسست‌های سازمانی که سطحی‌ترین و عینی‌ترین لایه است، بلکه در سطوح عمیق‌تر موضوع سبب شده تا حتی موضوعات، مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف تولید علوم انسانی - اسلامی، از نظامی منسجم تبعیت نکنند. بدیهی است در چنین فضای نامطلوبی که تاکنون اجماع نظری بر یک الگوی راهبردی در این عرصه حاصل نشده است، وظایف و فعالیت‌های نهادهای ستادی و صفی - چه به صورت انفرادی و چه جمعی - با مشکلاتی مواجه است که یکی از مهمترین آنها در سطح جمعی، فقدان همکاری و هماهنگی مناسب این نهادها و سازمان‌های مسئول می‌باشد.

## ۱.۲. بعد ساختاری مسئله

ریشه دوم بروز مشکل را باید در فقدان سازوکار «همدلی، همفکری و همکاری» مناسب بین این نهادها دانست. محورهای اساسی این مشکل را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. گسست نظام ارتباطی بین سازمانی واحدهای علمی در حوزه علوم انسانی و عدم توازن نظام عرضه و تقاضا در نظام علمی کشور
۲. ضعف نظام اطلاعات مدیریتی درون و بین سازمانی واحدهای حوزه علوم انسانی - اسلامی
۳. حاکمیت درونی مدیریت متمرکز، یک سویه، بسته و عمودی بر کلیه واحدهای حوزه علوم انسانی
۴. عدم توازن «قدرت، اطلاعات و منابع» واحدهای علمی متناسب با ظرفیت‌ها و مأموریت‌های سازمانی آنها
۵. ضعف نظام عقلانیت جمعی به عنوان مرکز ثقل هدایت راهبردی تولید علوم انسانی - اسلامی در سطح ملی و جهان اسلام
۶. حاکمیت نگرش خرد و انتزاعی در فرهنگ سازمانی

## ۲. پیشینه مدیریت شبکه ای تحقیقات

در بررسی‌های انجام شده در منابع داخلی و خارجی مشخص گردید:

۱. از سال ۷۴ تا ۷۹ تحقیقاتی با عنوان مدیریت شبکه ای با همکاری تنی چند از حوزویان و دانشگاهیان که حدوداً ۱۴۰ جلسه بوده که در سه مجلد با عناوین مرحله پیدایش مدیریت شبکه ای تحقیقات یا توسعه تفاهم علمی جلد اول، مرحله تغییرات مدیریت شبکه ای تحقیقات جلد دوم، الگوی طراحی سازمان مدیریت شبکه ای تحقیقات جلد سوم تدوین گردیده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> ۱۳۷۶، توسعه تفاهم علمی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول، مرحله تغییرات مدیریت شبکه ای تحقیقات، جزوه فرهنگستان علوم اسلامی، الگوی طراحی سازمان مدیریت شبکه ای تحقیقات، گروه پژوهش‌های راهبردی فرهنگستان علوم اسلامی، ۸۹

۱. پایان نامه ای در مقطع دکتری تحت عنوان بررسی مبانی نظری مدیریت شبکه ای تحقیقات و آرایه شاخص های مدل مطلوب در دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله الاعظم (عج) در سال ۸۱ انجام شده است.<sup>۱</sup>
  ۲. طرحی با عنوان الگوی مدیریت شبکه ای کلان دستگاه فرهنگی توسط گروه پژوهش های راهبردی فرهنگستان علوم اسلامی در سال ۸۸ انجام شده.
  ۳. سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ در کشور آمریکا در زمینه شبکه های محلی و ملی در زمینه تحقیقات پزشکی، سیستمی به نام شبکه طبابت پویا طراحی شد که به سرعت ۲۵ ایالت شمال کشور آمریکا و چهار استان کشور کانادا تحت پوشش اطلاعاتی این شبکه قرار گرفته.<sup>۲</sup>
  ۴. در سال ۱۹۹۱ در شهر واشنگتن Biosynthesis طراحی و اجرا شد.<sup>۳</sup>
  ۵. در سال ۱۹۹۱ شبکه آکسفورد و رمنت متشکل از گروهی پژوهشگران متخصص است برای بهتر انجام شدن تحقیقات طراحی و انجام گردید.<sup>۴</sup>
  ۶. در سال ۲۰۰۰ در یکی از استان های کانادا به منظور آموزش و کسب تجربه پیرامون شبکه های آموزشی و تحقیقی در علوم پزشکی مطالعه ای انجام گردید.<sup>۵</sup>
  ۷. تحقیقات گسترده ای توسط مانوئل کاستلز انجام گردید که در سه مجلد به چاپ رسید که جلد اول آن با عنوان عصر اطلاعات ظهور جامعه ای شبکه ای می باشد این تحقیقات ابعاد وسیع جامعه شبکه ای را مورد بررسی قرار داده است.<sup>۶</sup>
- البته باید متذکر شد که منابع در زمینه شبکه سازی در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی بسیار زیاد است اما در زمینه مدیریت شبکه ای خصوصا در موضوع تولید علوم انسانی اطلاعات زیادی در دست نیست.

### ۳. ضرورت مدیریت شبکه ای در تولید علوم انسانی – اسلامی

ضرورت و انگیزه پرداختن به موضوع مدیریت شبکه ای در فرآیند تولید علوم انسانی – اسلامی کمبودها و معضلات در نظام علمی و تحقیقاتی کنونی در این زمینه است. لازمه تولید علم تالاقی اندیشه ها در بستری مناسب است که در نهایت رشد علمی را به دست دهد، طبعا صاحبان اندیشه باید دست به فعالیت مشترکی در این زمینه بزنند و چه بهتر

<sup>۱</sup> دانشجو خانم فردوس قماشچی، استاد راهنما حجت الاسلام و المسلمین عبدالعلی رضایی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله الاعظم (عج)، دانشکده بهداشت،  
<sup>۲</sup> Broering NC, Hylton JC, et al. (۱۹۹۱). Bio SYNTHESIS: access to Knowledg network of health sciences databases. J Med syst. ۱۵ (۲): ۱۳۹-۱۵۳

<sup>۳</sup> Gabrieli ER. (۱۹۷۸). Medical in formation system, health records, and knowledge banks. Med Instrum; ۱۲(۴): ۲۴۵- ۲۴۷

<sup>۴</sup> Lverson DC, calonge BN, et al. (۱۹۸۸). The development and management of primary care research network, ۱۹۷۸-۸۷. Fam Med; ۲۰ (۳): ۳۵۰-۳۵۶

<sup>۵</sup> Lauf, Hayward R. (۲۰۰۰). Building a virtual network in a community health research training program. J Am Med Inform; ۷ (۴): ۳۶۱ -۳۷۷

<sup>۶</sup> مانوئل کاستلز، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، چاپ چهارم، ۸۴، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه ای)، جلد اول، انتشارات نشر نو،

که این فعالیت مشترکی در قالبی یکپارچه صورت گیرد. ضرورت وجود قالب یکپارچه به دلیل لزوم برخورداری از محتوایی یکپارچه است.

به عبارت دیگر اگر قرار است مجموعه ای از معارف و علوم در نتیجه تعامل اندیشه ها بوجود آید، این امر به صورت گسیخته امکان پذیر نیست.

بنابراین برای ایجاد یکپارچگی در نظام تولید معارف و علوم انسانی - اسلامی، الگو یا قالب آن نیز باید نظام مند و یکپارچه باشد این عرصه یا قالب، برقراری ارتباط میان متفکران، اندیشمندان و نظریه پردازان را ممکن می سازد. وجود چنین ارتباطی لازمه فعالیت های محققانه است.

حال بر اساس دو چالش اصلی در عرصه تولید علم دینی کشور - یعنی «فقدان الگوی کارآمد» و «عدم بهره گیری از ساختارهای مناسب» - می توان از لزوم طراحی الگوئی متفاوت برای مدیریت نهادهای تولید علوم انسانی - اسلامی بر اساس «الگوی مدیریت شبکه ای» سخن گفت که ویژگی های ذیل را تأمین کند:

۱. تحول در ساختار مدیریت کلان تولید علوم انسانی - اسلامی از طریق بازتعریف نظام شاخص ها، استانداردها،

قوانین و مقررات هماهنگ در حوزه نهادهای علمی مرتبط

۲. طراحی نرم افزار مدیریت هوشمند اطلاعات در حوزه نهادهای علمی علوم انسانی - اسلامی

۳. معماری نظام ارتباطات پویا، سیال، جامع و برون گرای نظام علمی کشور

۴. پی ریزی فرآیند عقلانی و نظام یکپارچه فکری، بر عقلانیت جمعی در حوزه علوم انسانی - اسلامی

۵. تهدید عقبه و تحدید گستره نفوذ جبهه معارض در حوزه علوم انسانی - اسلامی

۶. تعریف جایگاه و نقش مدیریت کلان واحدها با رویکرد مشارکت گرا در حوزه علوم انسانی - اسلامی

جامعه اسلامی در فرآیند تغییرات گسترده ی دهه های اخیر و طراحی و مهندسی نظام اسلامی در ابعاد مختلف علمی، نیاز به اقدامی فراگیر برای ایجاد «سامانه های مدیریت شبکه ای» دارد تا از این طریق بتواند سازمان ها، نهادها و دستگاه های تحت امر خویش را - در آنجا که نیازمند مدیریت شبکه ای و غیرمتمرکز است - برای همراهی با این حرکت بزرگ مدیریتی همراه سازد. حال که فرصت نهضت تولید علم دینی برای جامعه بزرگ علمی کشور فراهم شده است تا برای اولین بار در سطح ملی، الگوئی متفاوت را طراحی و عملیاتی کند تا با موفقیت آن، خود الگوئی برای دیگر بخش های نظام باشد باید آن را مغتنم شمرد و باور کرد که بخش مهمی از چالش های علمی و اجرایی، با به کار بستن این الگو، مرتفع خواهد شد.

منابع علمی مدیریت پذیرفته اند که هدایت کردن تصمیم و فهم و رفتار، در بستر شبکه ای، به مراتب مؤثرتر و تعیین کننده تر از یک نظام متمرکز غیر شبکه ای است. چون ساختار تمرکزگرا، همواره طفیلی ساختار قدرتمند شبکه ای و متأثر از آن است ولو از وجود چنین شبکه ای در درون مرزهای ملی خود، بی بهره باشد. به بیان بهتر، اگر مدیریت کلان جامعه، جریان مدیریت شبکه ای را با محوریت «ارتباطات بین سازمانی» در دست گیرد می تواند برای رشد تصمیمات، تفکرات و رفتارهای فردی، سازمانی و اجتماعی، بستری امن فراهم سازد و ضمن حفظ استقلال و هویت آنها، کارآمدی



و اثربخشی را بر اساس یک «جهت» و «مبنا» سامان دهد. این همان نقطه‌ای است که ضرورت نیاز به طراحی مدیریت شبکه‌ای در تولید علوم انسانی - اسلامی را تمام می‌کند.

## ۴. تعریف شبکه

شبکه، نظامی ارگانیک با ارتباطات تعریف شده و چند سویه است که متشکل از لایه‌های متوازن اما غیر هم‌وزن می‌باشد و در قالب سلول‌های اصلی شبکه و افراد حقوقی (و احیاناً حقیقی) تأثیرگذار، با یک مرکز راهبری تعیین شده و البته با سازوکاری غیر متمرکز است. شبکه، دارای ساختاری باز، پویا و نامحدود است که می‌تواند متناسب با شرایط و اقتضائات، پذیرای سلول‌ها، واحدها و مأموریت‌ها و فعالیت‌های جدید باشد.

مؤلفه‌های پایه برای هم‌افزایی، انسجام بخشی و هماهنگی سلول‌ها و واحدها عبارت است از:

۱. مؤلفه‌های ارتباطی از جمله «مأموریت و اهداف مشترک» در سطح «کلان» برای ایجاد «همکاری سازمانی» در درون و بیرون، به عنوان نقطه کمال «هماهنگی شبکه‌ای».
۲. مؤلفه‌های اعتماد از جمله «ارزش‌ها و آرمان‌های» مشترک در سطح «اصولی» برای ایجاد «همدلی سازمانی» در درون و بیرون، به عنوان نقطه شروع «هم‌افزایی شبکه‌ای».

## ۵. مبانی

مبانی حاکم بر الگوی مدیریت شبکه‌ای، عبارت است از:

۱. هویت‌گرایی<sup>۱</sup>
۲. تعاون محوری<sup>۲</sup>
۳. قانون‌گرایی<sup>۳</sup>
۴. نظم‌پذیری<sup>۴</sup>
۵. مشارکت‌گرایی<sup>۵</sup>
۶. مسوولیت‌پذیری<sup>۶</sup>
۷. کارآفرینی<sup>۱</sup>

---

۱ - ملاحظه حفظ هویت «فردی، سازمانی و فراسازمانی» افراد و نیز واحدها در الگوی مدیریت شبکه‌ای، ایجاد می‌کند آمیزه‌ای از «ارتباطات بین سازمانی» و «استقلال هویتی افراد و سازمان‌ها»، مبنای عملیاتی کردن الگوی مزبور باشد.

۲ - «تعاونوا علی البر و التقوی» سوره مائده آیه ۲

۳ - اصول ۲، ۴، ۲۰، ۷۲ و ۱۰۵ قانون اساسی

۴ - «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم» نهج البلاغه: نامه ۴۷ - سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بند ۴

۵ - در محضر ولایت ۷۷/۱۰/۱۵ ص ۱۹۷ و ۱۹۹ - اصول ۳ (بند ۸)، ۷، ۲۰، ۵۹ و ۱۰۰ قانون اساسی

آیات ۱۵۸ (آل عمران) و ۳۸ (شورا) در قرآن

«من استبدّ برایه هلك و من شاوره الرجال شارکها فی عقولها»، حکمت ۱۶۱ نهج البلاغه

۶ - سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بند ۴ - اصل ۲ قانون اساسی

۸. رقابت پذیری<sup>۲</sup>

۹. پاسخگویی

## ۶. اهداف مدیریت شبکه ای

### ۶.۱. اهداف اصلی

انسجام آفرینی، هم‌افزایی و ارتقاء اثربخشی «نظام علمی در حوزه علوم انسانی - اسلامی» در سطح «ملّی و فراملّی» با بهره‌گیری حداکثری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های تمامی واحدهای «دولتی، عمومی و خصوصی» فعال در چرخه مدیریت تولید علوم انسانی - اسلامی.

### ۶.۲. اهداف فرعی

۱. افزایش انسجام و یکپارچگی «واحدهای علمی حوزه علوم انسانی - اسلامی» در پاسخگویی به نیازهای محیطی و ساماندهی «نظام عرضه و تقاضای فرهنگ دینی»
۲. ایجاد تعادل در حوزه «سرمایه گذاری در بخش تولید علوم انسانی - اسلامی»
۳. بهبود «فرهنگ سازمانی» و نهادینه کردن «مشارکت‌های بین سازمانی» در حوزه علوم انسانی - اسلامی
۴. راهبری «گردش اطلاعات سودمند» و ارتقاء سهم حضور ایران در شبکه جهانی اطلاعات در بخش علوم انسانی - اسلامی

## ۷. سیاست‌ها

۱. محوریت «علوم انسانی - اسلامی» در گسترش «غیرخطی و همه جانبه اجتماعی»
۲. رعایت حفظ «هویت و استقلال» نهادها و سازمان‌های موثر و مسئول در حوزه علوم انسانی - اسلامی
۳. حاکمیت نگاه «فرآیندی» به شبکه در مدیریت نهادهای حوزه علوم انسانی - اسلامی
۴. بهره‌گیری از «راهبردهای نرم» و شیب منطقی برای تغییر «رفتار سازمانی» نهادها و واحدهای مسئول در علوم انسانی - اسلامی

## ۸. اصول کاربردی مدیریت شبکه ای

۱. شبکه با «سلول‌های مشخص» تعریف می‌شود و همگی آنها با مرکزیتی معین، راهبری می‌گردد. هر یک از این سلول‌ها، دارای ساختاری مستقل اما مرتبط است و به عنوان یک «ریز شبکه» محسوب می‌شود.

---

۱ - سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بند ۴ - اصول ۳ (بند ۱)، ۴، ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی  
۲ - اصل ۳ (بند ۱) قانون اساسی

۲. شبکه کاملاً «افقی و تخت» نیست و دارای مرکزیت و محوریت پنهان یا نیمه پنهان یا آشکار است. لذا پذیرش حداقل سیادت اجرائی در الگوی مدیریت شبکه‌ای، غیر قابل اجتناب است.
۳. گرچه شبکه، از روابط افقی سلول‌ها بهره‌مند است اما اولاً چند سویه است و ثانیاً این روابط یکسان نیست و دارای «سطوح و لایه‌های ارتباطی» با مرکز راهبری است اما نه به شکل متمرکز.
۴. «تقسیم سلولی شبکه»، بر اساس «ریز شبکه‌ها» در درون و «عوامل خارجی» تأثیرگذار بر محیط در بیرون صورت می‌گیرد.
۵. توسعه فرهنگ «مشارکتی»، در تولید علوم انسانی - اسلامی
۶. ایجاد «همدلی و همفکری و همکاری در بین نهادها و مراکز مسئول حوزه علوم انسانی - اسلامی بین سازمانی»

## ۹. ویژگی‌های الگوی مدیریت شبکه ای

بیان «ویژگی‌های عناصر و سلول‌های الگوی مدیریت شبکه‌ای علمی در حوزه علوم انسانی - اسلامی در وضعیت مطلوب» از آن رو اهمیت دارد که علاوه بر کمک به ترسیم دورنمایی از الگوی مدیریت شبکه‌ای، زمینه تفاهم بهتری را برای معماران و متولیان تحول علمی، در دو حوزه مهندسی و مدیریت تحول علوم انسانی - اسلامی ایجاد می‌کند که در نتیجه می‌توان سریع‌تر و دقیق‌تر به چارچوب اصلی و سلول‌های شبکه مطلوب دست یافت و مصادیق عینی آن را در یک منظومه منسجم - متناسب با وزن هر یک - طبقه بندی کرد. بر این اساس، ویژگی‌های مزبور در دو بخش تقسیم می‌شود:

### ۹.۱. ویژگی‌های مرکز راهبری مدیریت شبکه ای تولید علوم انسانی - اسلامی

هر شبکه، دارای یک سلول اصلی است که به عنوان «مرکز راهبری»، نقش خطیر خود را در حمایت، هدایت و نظارت بر سایر سلول‌های شبکه ایفا خواهد کرد. این مرکز که از سازوکار غیر عمودی و غیرآمرانه بهره خواهد برد؛ قادر است با بهره‌مندی از ظرفیت‌های دستگاه‌ها و واحدهای توانمند زمینه‌ی حضور مؤثر آنها را در مرکز راهبری علوم انسانی - اسلامی کشور تحقق بخشد. ویژگی‌های اصلی این مرکز عبارت است از:

۱. دارای مشروعیت جایگاه، از جانب رهبری نظام اسلامی با اختیارات کامل در عرصه تحول علوم انسانی - اسلامی
۲. دارای مقبولیت جایگاه، در هندسه منطقی ساختار مدیریت کلان عملی کشور
۳. دارای مقبولیت جایگاه، در میان نهادها و واحدهای علمی هدف
۴. دارای رویکرد آینده نگر، در محیط شناسی، رصد، پایش و پیمایش دائمی حوزه علوم انسانی - اسلامی
۵. دارای قدرت ایجاد ارتباطات ارگانیک بین «شبکه‌های علوم انسانی - اسلامی» و «نظام مدیریت کلان علمی کشور»، در بلند مدت

۶. دارای سازوکار مشارکت گرایانه غیرمتمرکز، در راهبری حوزه علوم انسانی - اسلامی
۷. دارای قدرت هدایت نرم، از طریق تناسب سازی دائمی استانداردها و قوانین با نظام علمی کشور

## ۹,۲. ویژگی‌های سلول‌های الگوی شبکه ای

هر یک از این سلول‌ها (یا ریز شبکه‌ها) به عنوان عناصر میانی شبکه، به ایفای نقش مؤثر در ارتباط هدفمند و دو سویه بین نهادها و واحدهای علوم انسانی - اسلامی با مرکز راهبری شبکه می‌پردازند و به صورت حلقه‌های واسط اما با اختیارات لازم و متناسب، از ظرفیت نهادهای مرتبط با هر سلول، برای تحقق اهداف و سیاست‌های کلان و شاخص‌ها و استانداردها و قوانین مورد نیاز حوزه علوم انسانی - اسلامی بهره خواهند گرفت.

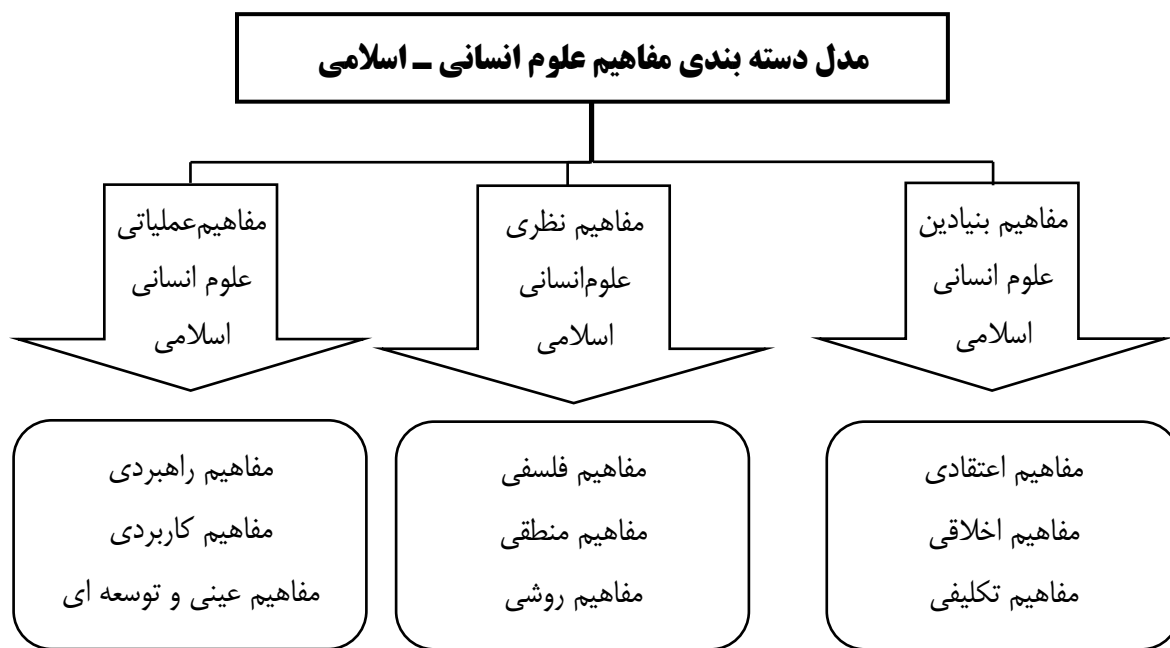
۱. دارای حاکمیت روابط شبکه‌ای درون سلولی، با گرانیگاه ساختاری مستقل (تعبیه شده در هر سلول، متناسب با جایگاه و وظایف آن) به عنوان مرکز ثقل هدایت پویا و پیوسته «اطلاعات و ارتباطات درون و برون سلولی»
۲. دارای یک فرآیند و گردش عملیات مستقل و مرتبط با دیگر سلول‌ها
۳. دارای ظرفیت پاسخگوئی کامل و دائم به نیازها و تقاضاهای درونی و بیرونی
۴. دارای تفاوت متناسب با جایگاه هر سلول، بر اساس قاعده حاکم بر متغیرها و عناصر در نگاه سیستمی

## ۱۰. الگوی پیشنهادی در چرخه مدیریت تولید علوم انسانی - اسلامی

با توجه به طرح ضرورت، بیان مسئله، تعریف مبانی، اصول و ویژگی‌های پیش گفته می‌توان دورنمایی از الگوی مدیریت شبکه‌ای تولید علوم انسانی را ارائه داد.

### ۱۰,۱. محتوای علوم انسانی - اسلامی

در ابتدا باید بتوان محتوای علوم انسانی - اسلامی را به گونه ای دسته بندی و طبقه بندی کرد که در عین استقلال دسته های مفهومی از یکدیگر یکپارچگی و پیوستگی آنها نیز قابل ملاحظه باشد در نگاره شماره ۱ شاهد یک تحول طبقه بندی برای نظام مفاهیم علوم انسانی - اسلامی هستیم که همه سطوح مفاهیم بنیادی، نظری و عملیاتی تمامی علوم انسانی را در خود جای داده است.



### نگاره شماره ۱

#### ۱۰,۲. ارکان مدیریت شبکه ای تولید علوم انسانی - اسلامی

در سیر تبدیل و تحول علوم انسانی موجود تمامی نهادهای علمی موثر در حوزه علوم انسانی - اسلامی در سطوح بنیادی، نظری و عملیاتی کشور (نگاره ۱) متناسب با جایگاه و سطوح فعالیت هایشان نقش آفرینند. نهادهایی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، حوزه‌های علمیه، اندیشکده و فرهنگستان ها، پژوهشگاه ها، آزمایشگاه ها، دانشگاه ها و... در کنار یکدیگر با یک نظم و مدیریت شبکه ای می توانند به یک سازمان غیر متمرکز اما منسجم علمی مبدل شوند و با گردش کار هماهنگ امکان تحول، تولید و نوآوری در نظام علوم خاصاً علوم انسانی - اسلامی را بوجود آورند. پس ارکان و عناصر محوری شبکه علمی در طرح پیشنهادی عبارتند از:

#### ۱۰,۲,۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرکز و قرارگاه فرماندهی علمی فرهنگی و به عبارتی دیگر مرکز مهندسی و مدیریت تحول و تولید علوم انسانی - اسلامی می باشد.

مقام معظم رهبری در خصوص رسالت و جایگاه نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی چنین می فرماید:

«شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان بالاترین رده در نظام فرهنگی کشور، مأموریت و وظیفه حساس و پیچیده ای در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور بر عهده دارد. به غیر از این مجموعه هیچ جایگاه و مرکز دیگری در کشور وجود ندارد. دولت و مجلس و حتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با فرهنگ کشور وظایفی بر عهده دارند ولی هیچکدام وظیفه ای که این شورا بر عهده دارد را عهده دار نبوده و نمی توانند انجام دهند.»<sup>۱</sup>

۱ - مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱

«این مجموعه در کشور بی بدیل است. در مدیریت راهبردی فرهنگی، ما به غیر از این مجموعه، هیچ مرکزی را در کشور نداریم. بخش های مختلف، چه دولت، چه مجلس، چه حتی مجمع تشخیص مصلحت نظام وظایفی دارند؛ اما هیچ کدام وظیفه ای را که این شورا بر عهده دارد و الان در قالب شرح وظایف و مواد و بندهای گوناگون تدوین شده است، بر عهده ندارند؛ بنابراین مرکز بی بدیلی است. این جا را در واقع باید اتاق فرمان فرهنگی کشور یا ستاد عالی فرهنگی و علمی دستگاه های کشور - اعم از دستگاه های فرهنگی و سایر دستگاه ها - و مرکز مهندسی فرهنگی کشور به حساب آورد.»<sup>۱</sup>

براین اساس شورای عالی انقلاب فرهنگی بعنوان شایسته ترین نهاد و بالاترین رده در نظام فرهنگی کشور، توان و ظرفیت لازم در انجام مدیریت، هدایت و راهبری علمی را در حوزه علوم انسانی - اسلامی دارد.

### ۱۰،۲،۲. حوزه علمیه

در فرآیند تولید و تحول علوم انسانی - اسلامی، حوزه های علمی علمیه نقش بی بدیلی را دارند. نقطه آغازین در تولید علوم انسانی - اسلامی، استخراج مفاهیم بنیادین<sup>۲</sup> از متن آیات و روایات است. این دسته مفاهیم از ارکان اساسی و به منزله ستون فقرات علوم انسانی - اسلامی محسوب می شوند. بیانات مقام معظم رهبری در این باره چنین است:

«حوزه باید مسایل اقتصادی، نظام، سیاست خارجی و ارتباطات اخلاقی را از دین استخراج کند. ما مسایل اقتصادی خود را باید از دین در آوریم. مسایل نظامی را باید از دین در آوریم. مسایل سیاست خارجی خود را باید از دین در آوریم. ارتباطات اخلاقی خود را باید از دین در آوریم.»<sup>۳</sup>

### ۱۰،۲،۳. اندیشکده و فرهنگستان

وظیفه اصلی اندیشکده و فرهنگستان تولید نظریه و تئوری در علوم انسانی - اسلامی براساس مفاهیم پایه و مفروضات اساسی دینی استنباط شده از معارف اسلامی توسط حوزه های علمیه است. معمولاً هر اندیشکده و فرهنگستان طراح یک نظریه هستی شناسی و معرفت شناسی خاص خود است و سپس حلقه های فلسفه مضاف را بر این اساس شکل می دهد و فلسفه علوم را بر اساس اندیشه خود تولید می کند. در غیر این صورت اطلاق اندیشکده بر یک پژوهشگاه کار منطقی صحیحی نیست. البته ممکن است که یک اندیشکده و فرهنگستان نظریه خود را از یک فرهنگ بیرون از بوم فرهنگی خود اخذ کرده باشد، اما در هر

۱ - مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۹/۲۶

۲ - مفاهیم بنیادی از سه دسته مفاهیم اعتقادی (توصیفی)، اخلاقی (ارزشی) و تکلیفی (احکام عمل) تشکیل شده اند:

مفاهیم اعتقادی: توصیف از هستی را ارایه می دهند که در معارف حوزه تحت عنوان هستی شناسی از آن یاد شده است و در آن مباحثی چون مبدا و معاد و به تبع آن سایر اصول اعتقادات مورد بررسی قرار می گیرد.

«تحلیل تاریخ - که از آن به عنوان فلسفه تاریخ یاد می شود - نیز می تواند از مباحث توصیفی و بنیادی محسوب شود، زیرا طی آن به چگونگی رخداد تحولات تاریخی و بیان نقاط عطف تحولات تاریخی می پردازد و از این نظر که می تواند زیر بنای مباحث جامعه شناسی و حتی انسان شناسی قرار گیرد به عنوان مباحث بنیادی قابل بررسی است.

مفاهیم اخلاقی: این دسته مفاهیم مربوط به حوزه ارزش است که در زمره مباحث پایه در علوم اخلاقی و عرفانی قرار دارند؛ برای مثال به فلسفه اخلاق که در آن مبنای خوبی و بدی و زشتی و زیبایی مورد توجه قرار می گیرد.

مفاهیم تکلیفی: این دسته مفاهیم در بردارنده احکام عمل در سطوح فردی و اجتماعی است، مثلاً: احکامی همچون مبارزه با ظلم، استقرار و رعایت عدالت در سطوح مختلف روابط فردی و اجتماعی، پاسداشت آزادی با تمام گستره و تنوعی که - این مفهوم - می تواند در بر داشته باشد.»

۳ - مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۶

صورت باید توانسته باشد تا روابط بوم فرهنگی خود را در دل آن نمایان سازد تا بتواند به عنوان یک اندیشکده و فرهنگستان به رسمیت شناخته شود والا باید آن را یکی از پژوهشگاه های اقماری نظریه مربوط به بوم فرهنگی بیگانه ای دانست که در یک جغرافیای فرهنگی دیگر مشغول به فعالیت است. اندیشکده و فرهنگستان، فلسفه علم (و فلسفه روش تحقیق خاص آن علم) خود را پی ریزی می کنند، و برای فعالیت علمی پژوهشگاه های تحت نفوذ «فلسفی» خود مهیا می سازد. انواع نظریاتی که یک اندیشکده و فرهنگستان می تواند به آن دست پیدا کند، در نگاره شماره ۲ آمده است.



**نگاره شماره ۲ - سطوح نظریه های مورد استفاده در اندیشکده ها و فرهنگستان ها**

## ۱۰،۲،۴. پژوهشگاه

در فرآیند تولید علوم انسانی - اسلامی پژوهشگاه ها نقش تعیین کننده ای در تبدیل نظریه به معادلات و تولید علوم انسانی - اسلامی دارند. هر پژوهشگاه همیشه تحت اشراف فلسفی اندیشکده و فرهنگستان مافوق خود می باشد و در حقیقت فرهنگ حاکم بر پژوهش های آن، تحت نفوذ نظریه های هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی و... نظام علمی اندیشکده و فرهنگستان متبوعش می باشد؛ چه به طور مستقیم در آن اندیشکده و فرهنگستان تولید شده باشد، مثل نظریه های هستی شناختی و چه در پژوهشگاه های اقماری و تحت نفوذ آن اندیشکده و فرهنگستان تولید شده باشد و دستاورد آنها در این پژوهشگاه به کار برده شود، مثل انسان شناسی، جامعه شناسی، علوم زیستی و ریاضی، که مورد نیاز یک دانشمند علوم انسانی و اجتماعی قرار می گیرد. اما در مجموع کار اصلی پژوهشگاه های علوم انسانی در دست گرفتن یکی از شاخه های علوم انسانی - اسلامی است و تولید روش تحقیق نظری و میدانی و سپس تولید ساختار علوم انسانی - اسلامی مورد نظر می باشد. براین اساس هر پژوهشگاه باید نظریه اندیشکده متبوع خود و اندیشه مورد حمایت خود را نیز اعلام بدارد.

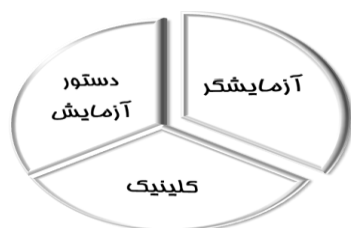
پژوهشگاه با توجه به نظریه علوم انسانی - اسلامی مورد مطالعه اش، دارای روابط متنوع و مختلفی می باشد که روابط کلی آن را می توان از نوع تعاملی که با «اندیشکده و فرهنگستان، آزمایشگاه و دانشگاه» های متبوعش برقرار می کند، شناخت.

## ۱۰،۲،۵. آزمایشگاه

پژوهشگاه های علوم انسانی - اسلامی برای آزمون و تست معادلات و علم تولید شده در شاخه های مختلف علوم انسانی - اسلامی نیازمند آزمایشگاه هستند.

هر آزمایشگاهی در این شبکه بزرگ علمی تحت اشراف اندیشه پژوهشگاه متبوعش می باشد و پی تحقق «تحقیقات میدانی» آن پژوهشگاه است تا از طریق آزمون، میزان کارآمدی و صحت هر معادله را مشخص نماید.

آزمایشگاه دارای اجزاء متعدد و متنوعی است اما در گام اول «روش تحقیقات میدانی» و «دستور تحقیق میدانی» خود را از پژوهشگاه متبوع خود دریافت می کند و سپس از دانشگاه تحت نفوذ اندیشه متبوعش نیز آزمایش گر خود را انتخاب می کند. در نهایت نیز «گزارش کار» خود را نیز که حاصل «گزارش خام مشاهده آزمایش گر» و «گزارش کارشناسی کلینیک عیب یابی» می باشد، در قالب محصولی به پژوهشگاه مربوطه باز می گرداند. نگاره شماره ۳ اجزاء داخلی یک آزمایشگاه را نمایش می دهد.





## ۱۰،۲،۶. دانشگاه (آموزشگاه)

هدف اصلی دانشگاه‌ها «توزیع و آموزش» مناسب علوم در بین نیروی انسانی طالب آن است. اما توزیع و آموزش مناسب علوم دارای سطوحی است که در نگاره شماره ۴ مدل مطلوب آن ترسیم شده است. نکته قابل تامل آن است که قدرت عینی یک اندیشه در مدیریت و شکل دهی علمی یک دانشکده و سپس به مقبولیت اجتماعی رسانیدن آن، می‌تواند یکی از راهکارهای عینی بررسی میزان توانمندی یک اندیشه در «کاربردی» بودن و «کارآمدی» داشتن به شمار آید.

دانشگاه‌ها دارای مسائل مورد اهمیت دیگری نیز می‌باشند، از جمله اینکه:

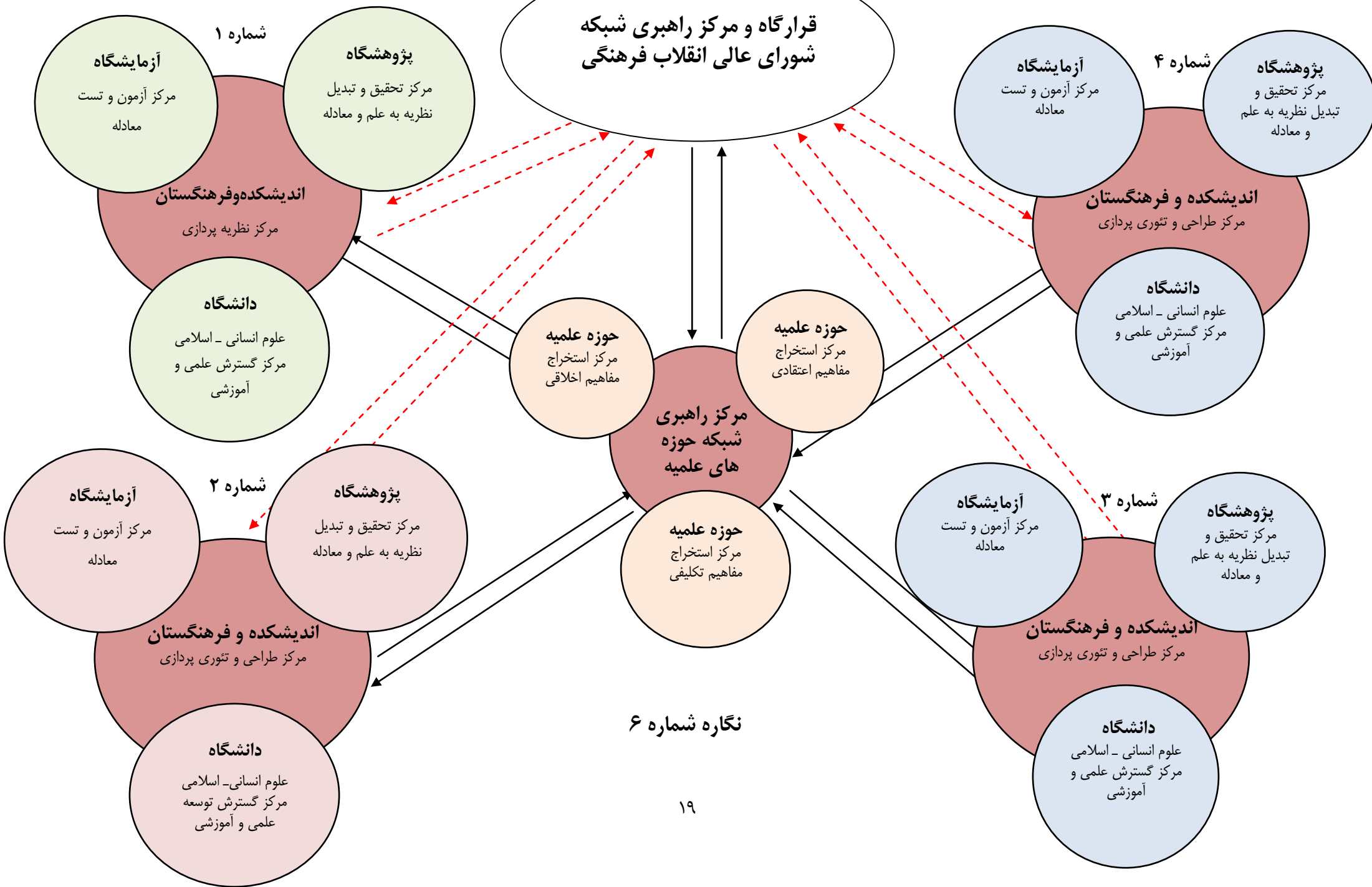
- هر دانشجویی از ابتدای شروع به تحصیل، افق خاصی را برای خود ترسیم می‌کند؛
- در برنامه ریزی آموزشی، همواره باید به گونه‌ای عمل شود که کسانی که نیازی به تحصیلات تکمیلی برای پژوهشگر شدن ندارند، از کسانی که نیاز به کسب تجربیات کارشناسی دارند تفکیک شوند و همه دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری بر سر یک سفره علمی نشینند، بلکه مسیر آموزشی ایشان جدا گردد.

* هدف از این دوره تربیت پژوهشگر درجه یک برای تحقیق و بررسی دوره دکتری در روش تحقیق علوم انسانی - اسلامی است
* هدف از این دوره ترتیب پژوهشگر درجه دو، مسلط به روش تحقیق در یکی از دوره کارشناسی ارشد شاخه‌های علوم انسانی - اسلامی است
* هدف از این دوره تربیت کارشناسی توانمند برای به کار دوره کارشناسی بستن علوم انسانی - اسلامی در جامعه است.

### نگاره شماره ۴

دانشگاه	آزمایشگاه	پژوهشگاه	اندیشکده و فرهنگستان	حوزه علمیه
<p>دوره دکتری تربیت پژوهشگر درجه یک در بالاترین سطح پژوهش برای گزینش، بهینه، تولید روش تحقیق علوم انسانی اسلامی</p>	<p>آزمایش معادلات مبتنی بر نظریات تولید شده در پژوهشگاه ها از طریق روش های آزمایشگاهی برای ارزیابی و بهینه سازی علم تولید شده و اندازه گیری میزان کارآمدی عینی آن در فضای جامعه</p>	<p>تولید روش های تحقیق نظری، کتابخانه ای و میدانی، اندیشکده و فرهنگستان مرتبط</p>	<p>تولید نظریه و مبانی علوم انسانی - اسلامی (فلسفه علمی) همانگ با اعتقادات (هستی شناسی) اخلاقیات (شایسته و ناشایسته ها) تکالیف (باید ها و نبایدها) فرهنگ دینی</p>	<p>استخراج مفاهیم بنیادی از متن آیات و روایات در سه سطح ۱. مفاهیم اعتقادی ۲. مفاهیم اخلاقی ۳. مفاهیم تکلیفی</p>
<p>دوره کارشناسی ارشد تربیت پژوهشگر درجه دو، پژوهشگری که به روش تحقیق علوم انسانی - اسلامی مسلط است و قدرت تفکیک آن از دیگر روش ها را داراست. این پژوهشگر قدرت تولید علم در شاخه های زیرین علوم انسانی - اسلامی را</p>		<p>تولید علم و معادلات در علوم انسانی اسلامی</p>	<p>تولید فلسفه روش های تحقیق مضاف به نحوی که بتواند از این طریق بر جریان تحقیقات شبکه پژوهشگاه های ذیل خود نظارت داشته باشد.</p>	<p>تولید و طراحی معرفت شناسی در حوزه علوم انسانی اسلامی</p>
<p>دوره کارشناسی تربیت کارشناسان توانا در به کار بستن علوم انسانی - اسلامی در جامعه</p>				

قرارگاه و مرکز راهبری شبکه  
شورای عالی انقلاب فرهنگی



### ۱۰,۳. مناسبات محیطی مدیریت شبکه ای

پس از توضیح محتوا و سازمان شبکه علمی، باید به تعدادی از مناسبات «محیطی» اما ضروری این شبکه علمی نیز اشاره کرد. شناخت دقیق تر و کامل مناسبات محیطی و اجزاء بیرونی شبکه علمی، در زمان تحقق آن شبکه محقق می‌گردد، اما در مرحله طرح نظری، مناسب است کلی‌ترین و اثرگذارترین اجزاء محیطی این شبکه علمی را مشخص کرد.

### ۱۰,۳,۱. چگونگی هدایت و بهره‌وری از شبکه علمی

یکی از چالش‌های سازمانهای علمی چگونگی ارتباط آنها با حاکمیت و قدرت است. در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، نهادی با عنوان «شورای عالی انقلاب فرهنگی» وجود دارد که متشکل از فرهیختگان و اندیشمندان فرهنگی و باورمند به فرهنگ اسلامی - ایرانی است. تا این برهه از تاریخ انقلاب اسلامی ایران اصلی‌ترین مناسبات تعامل علم و دولت از سوی این نهاد تدارک دیده شده است.

مدیریت شبکه ای پیشنهادی در چرخه تولید علوم انسانی - اسلامی باید همچنان از طریق نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی مدیریت شود زیرا به عنوان قرارگاه فرماندهی فرهنگ و علم «کانون نخبگان حوزه نیازسنجی فرهنگی» است. «ضرورت»هایی که در شبکه علمی کشور باید بدانها دست یافت. توسط شورای عالی در قالب نقشه جامع «علوم انسانی - اسلامی» باید مشخص گردد و از طریق میزان «پایبندی» و سپس «توانمندی» هر دیدگاه که دارای یک شبکه علمی است، میزان قدرت اجتماعی آنها را در فضای برهانی و استدلالی، همچنین در حل معضلات و پاسخگوئی به شبهات و سطح کارآمدی عینی مدیریت کند. نگاره شماره ۷، چگونگی تعامل شورای عالی انقلاب فرهنگی با شبکه‌های علمی پیشنهادی را ترسیم می‌کند.

نکته‌ای که در «نقشه جامع علوم انسانی - اسلامی» بسیار ضروری است آن است که چنین نقشه‌هایی اصولاً باید برای مدیریت کلان علوم انسانی - اسلامی طراحی شوند و نباید به روش حرکت علم در جامعه دخالت مستقیم بکند. این بدین معناست که نقشه جامع، سعی خود را در این جهت متمرکز کند که به هیچ وجه «چگونگی» گمانه‌زنی و طرح احتمالات جامعه را محدود ننماید، بلکه از طریق مشخص کردن اهداف و خطوط قرمز برای حرکت علمی کشور «جهت» حاکم بر حرکت علمی کشور را ساماندهی کند. و دست اندیشکده‌ها را باز بگذارد که در مسیر تحقق بایدهای ارائه شده در نقشه جامع، از هر روش قدیمی و یا تازه تولید شده‌ای در به نتیجه رسیدن تحول یا تولید علوم انسانی - اسلامی آزادانه عمل نمایند، و اشکالات و ضعف‌های درون نظام علمی در مباحثات علمی بین شبکه مطالعه شود و قدرت و ضعف روش‌های علمی در جایی غیر از نقشه جامع علمی کشور پیگیری شود.

## شبکه علمی دستیابی به علوم انسانی - اسلامی

شورای عالی انقلاب فرهنگی  
مرکز راهبری و مدیریت علوم انسانی اسلامی

### حوزه های علمیه

مرکز تولید علوم بنیادی در سه سطح مفاهیم اعتقادی، اخلاقی، تکلیفی

### اندیشکده ها و فرهنگستان ها

مرکز تولید نظریه، نظریه پردازی حول محور مفاهیم اعتقادی، اخلاقی و تکلیفی  
استخراج شده توسط حوزه های علمیه و تبدیل آن به یک تئوری و مکتب خاص

دانشگاه

آزمایشگاه

پژوهشگاه

در هر جامعه ای تعدادی اندیشکده و فرهنگستان وجود دارد که دارای نظریات متفاوتی از یکدیگر هستند. هر یک از این اندیشکده ها و فرهنگستان ها که نظریات آنها با سیاست های کلان شورا همسو باشد، دارای این حق است که براساس نظریات بنیادین خود این سه سازمان علمی را شکل دهد و از قوای نظام اسلامی پشتیبانی شود.

نگاره شماره ۷

## ۱۰,۴. «برنامه» تعامل شبکه‌های علمی

پس از آنکه شبکه‌های علمی علوم انسانی - اسلامی، ارزیابی شدند و نمره‌های مناسب را براساس نظام ارزشیابی نقشه جامع علمی کشور دریافت نمودند، باید بتوان برنامه جامعی ارائه داد که در آن مشخص شود هر یک از اندیشکده‌ها به همراه شبکه علمی اش در چه سطحی قابل ارتباط و توانمند در حل مسائل علوم انسانی - اسلامی در ارتباط با نظام مدیریت اجتماعی هستند.

بر اساس آنچه که در نمودار شماره ۲ آمده است، اندیشه‌های بنیادین را می‌توان در سه سطح، طبقه بندی کرد. سپس دیده می‌شود که هر یک از این سه سطح نیز با توجه به:

۱- میزان تغییراتی که مطالبه می‌نمایند؛

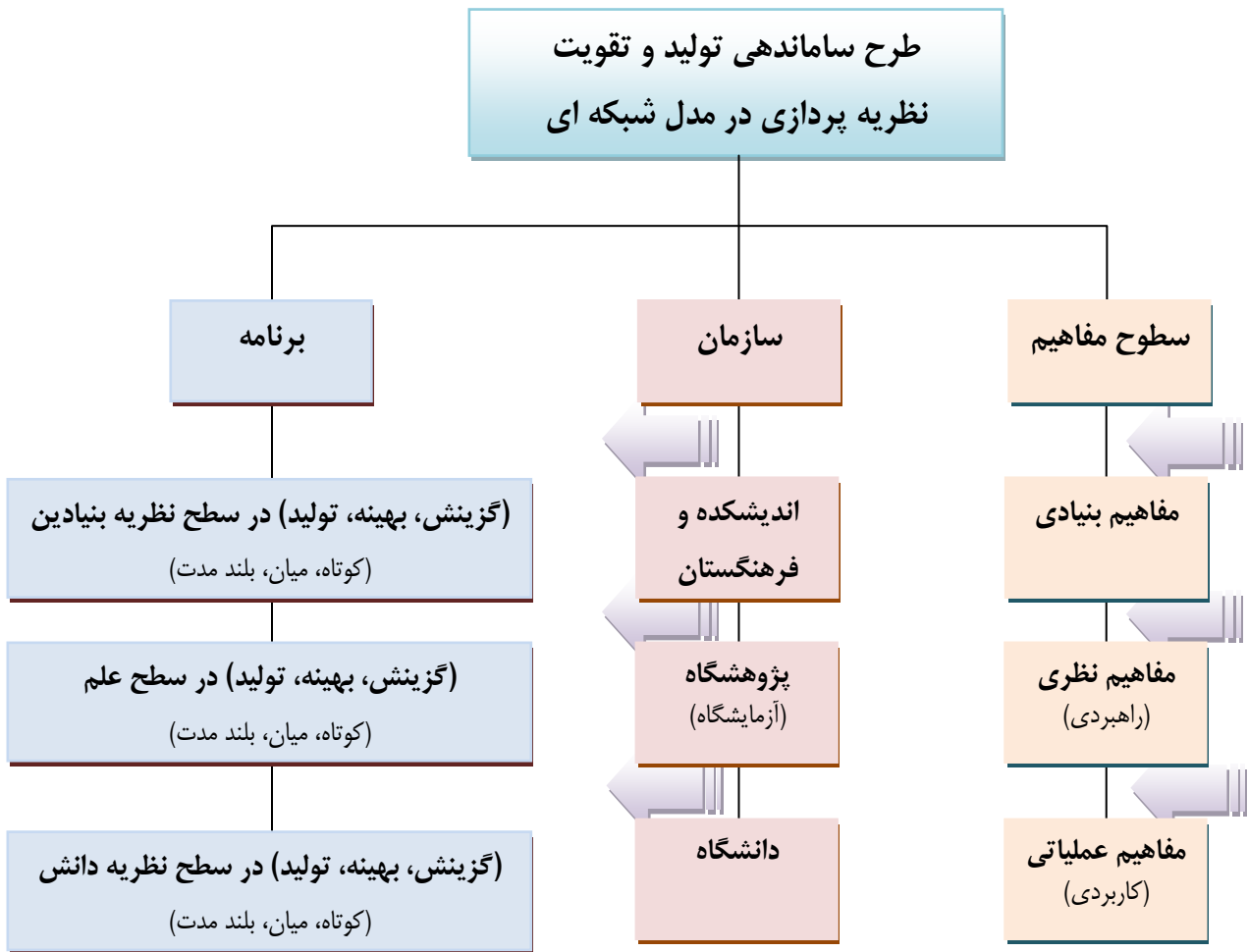
۲- میزان زمان مورد نیاز برای بدست آمدن مدل کامل علمی مورد نظر آن اندیشه؛

در سه سطح می‌توانند با جامعه ارتباط برقرار کنند:

الف) در کوتاه مدت: شبکه‌های علمی علوم انسانی - اسلامی که تغییرات کمتری را از نظامات شایع علمی کشور مطالبه می‌کنند، و در عین حال نمره مورد نظر شورا عالی انقلاب فرهنگی را کسب می‌کنند، در اولین گام با جامعه مدیریتی کشور ارتباط مستقیم برقرار می‌کنند و دو شبکه دیگر نقش نقادی این اندیشه را به عهده می‌گیرند و به تولید خود ادامه می‌دهند.

ب) میان مدت: در صورتی که شبکه اول از عهده آزمون نقادی برنیاید، از صحنه کنار خواهد رفت. سپس شبکه علمی که به بهینه اندیشه‌های موجود در دنیا معتقد است و یا به تولید اندیشه جدید، معتقد می‌باشند، در رقابت با یکدیگر قرار می‌گیرند که با توجه به کوتاه تر بودن زمان مورد نیاز برای شبکه‌های معتقد به بهینه و ادغام علوم سنتی و جدید و قابل فهم بودن این اندیشه در زمان حاضر، به احتمال قوی این شبکه در راس جایگاه کاربرد علمی قرار خواهد گرفت.

ج) بلند مدت: در این دوره اگر شبکه دوم نیز از آزمون نقادی و عینی سربلند بیرون نیاید و از پس نقد علمی و پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه بماند، به صورت خودکار، جریان اعتماد علمی به سمت اندیشه‌های تاسیس و تولید محور، تمایل پیدا می‌کند. در این سطح اندیشه‌های تولید محور، با توجه به رشد خود در مدت زمان گذشته و با توجه به قابل تفاهم تر شدن موضع علمی شان به راس هرم تولید علوم انسانی - اسلامی صعود خواهند کرد. در نگاره شماره ۸ شکل کلی این روابط بیان شده است.



## نگاره شماره ۸

### ۱۱. سیاست‌های تحقق مدیریت شبکه ای علمی

حال سوال این است که چه سیاست‌هایی را باید به کار بست تا بتوان مدیریت شبکه ای در جامعه محقق شود؟ در یک شبکه در هم تنیده علمی، نظم دقیق حکم فرماست و هرگونه نافرمانی باعث اختلال در کل شبکه علمی کشور می‌شود. در صورت نارضایتی و یا کم کاری بدنه علمی کشور، فرض اختلال در شبکه متصور است. در نتیجه باید ایده‌ای ارایه داد که بر اساس آن بتوان به صورت آگاهانه، سیر تحقق شبکه را مدیریت کرد و در حین کار نیز مراحل کار را «رصد» کرد.

شبکه را در سیر سه گانه زیر می‌توان محقق کرد:

۱- ابتدا باید، تلاش و اقدام برای فرهنگ سازی در «ارزشمند» قلمداد شدن این شبکه علمی صورت پذیرد. کمال کار در آن جا خواهد بود که جامعه علمی کشور آن‌چنان رابطه‌ای با این شبکه برقرار کند که آن را به-

صورت یک نظام ارزشمند و پویا بشناسد و تمام انگیزه علمی خود را در آن قابل تحقق بداند. در این صورت آحاد جامعه علمی کشور، از یک سو وجود این شبکه را «حق» خود؛ و از سوی دیگر جد و جهد برای عملکرد بهینه آن را وظیفه و «تکلیف» خود دانسته و پایداری و پویایی آن را طلب می‌کنند. بنابراین اولین سیاستی که باید از سوی مسئولین جدی گرفته شود، فرهنگ‌سازی برای ارزشمند قلمداد شدن شبکه علمی علوم انسانی - اسلامی از سوی جامعه است.

۲- در مرحله بعد می‌توان از قوای قانونگذار نظام درخواست کرد که قوانین و ضوابط مورد نیاز ایجاد چنین شبکه ای را تدوین کنند. سپس جریان‌های فرهنگ ساز را به این سو جهت داد که اجزاء شبکه علمی مورد نظر را تبلیغ کنند و جامعه را به سوی ارزشمند قلمداد کردن مناسبات جدید سوق دهند.

۳- بعد از سپری شدن مرحله قانونگذاری نوبت به سازوکار ایجاد «ساختار» شبکه علمی از طریق نهادهای مدیریتی علمی کشور می‌رسد. به بیان دیگر در این مرحله باید اقدام به طراحی «سامانه گردش کار» شبکه علمی جدید بر اساس اهداف و برنامه های راهبردی نمود. در این مرحله تقسیم کار و مأموریت اجزا شبکه علمی علوم انسانی - اسلامی - در عین حفظ وحدت و یکپارچگی شبکه - معین می‌گردد.

در پایان به چند مورد محدود از سیاست‌هایی که برای گسترش مدل شبکه‌ای علمی مورد نیاز است اشاره می‌گردد:

۱- تفاهم بر الگوی مدیریت شبکه‌ای پیشنهاد شده: در بین اهل علم، عده‌ای بر این گمانند که مشکل نظام علمی موجود کشور، بی‌نظمی و یا نظم غیرکارآمد است. عده کثیری دیگری هستند که اساساً به وجه ناکارآمدی نظام علمی کشور آگاه نیستند و تنها معتقدند که نظام موجود کارآمد نیست. اولین مسئله که باید در فرهنگ‌سازی بدان توجه کرد، القاء این مسئله است که اصلی‌ترین مشکل ما، بی‌نظمی در چینش علوم و به تبع آن روابط علمی اندیشمندان ما می‌باشد. لذا باید:

- کسانی را که به این بی‌نظمی واقف نیستند نسبت به بی‌نظمی موجود در نظام علمی کشور خصوصاً در علوم انسانی - اسلامی حساس نماییم.
- سعی شود بین کسانی که به اصل بی‌نظمی واقف هستند، بر سر الگوی مدیریت شبکه ای طراحی شده تفاهم راهبردی ایجاد کرد.

۲- لزوم ترویج سطح بندی محتوایی در منظومه علوم و معارف و تقسیم کار نهادها بر آن اساس: نظامی که در این شبکه علمی پیشنهاد شده است، اگرچه قابلیت تفاهم با متخصصین و فرهیختگان را دارد، اما آگاهی و میزان توجه اجتماعی نسبت به آن را باید ارتقا بخشید، به نحوی که کندوکاو در شبکه برای مدتی در جامعه رواج یافته باشد تا در صورت رسمی شدن آن در نظام علمی کشور، دیگر برای اکثریت قریب به



اتفاق جامعه علمی کشور آشنا باشد و جامعه علمی کشور در آن سردرگم نگردد. شاید اولین مسئله علمی که باید ترویج شود لایه‌بندی علوم در سه سطح راهبردی ذیل است:

- علوم بنیادی (مفاهیم اعتقادی، اخلاقی و تکلیفی)
- علوم نظری (فلسفه روش تحقیق، روش تولید علم و معادلات و ساختارهای آن علم)
- علوم عملیاتی (مفاهیم راهبردی - کاربردی و عینی)

بی‌توجهی به چنین سطح‌بندی‌هایی منجر به هرج و مرج علمی و در نتیجه غفلت از جامع‌نگری در پرداختن به ابعاد گوناگون و به هم پیوسته در نظام علمی کشور خواهد شد. مثلاً سطح بنیادین علوم انسانی - اسلامی، فقط در حوزه‌های علمیه قابل پی‌گیری است و در صورت عدم توجه به چنین نهادی، مفاهیم بنیادین علوم انسانی - اسلامی در بین لایه‌های دیگر علوم و بدون متولی رها خواهد شد و به ساختار علمی کشور لطمه خواهد زد. اهتمام به سطح بندی علوم در تولید علوم انسانی - اسلامی باعث مشخص شدن توجه جامعه علمی از هر دانشمند میشود و توقع از هر دانشمند به سطحی که به آن تعلق دارد محدود خواهد شد.

۳- ضرورت تغییرات متناسب در دروس حوزوی و دانشگاهی: باید در دروس حوزوی و دانشگاهی و بخصوص در دوره کارشناسی، درس‌هایی برای آشنایی با نظام طبقه‌بندی علوم و کارکرد هر کدام در جریان تولید علم و گیتی‌شناسی علم قرار داده شود.

## ۱۲. جمع بندی

به نظر می‌رسد تحول و تولید علوم انسانی - اسلامی نیازمند ساختاری توانمند است که نظام تفقه دینی، نظریه پردازی، پردازش مفاهیم بنیادی، تولید علم و معادلات کاربردی و مدل‌های اجرایی را بصورت هماهنگ سازماندهی نماید.

«بنابراین چنانچه تفقه دینی در یک نظام تحقیقاتی منسجم قرار گیرد، بر نظریه پردازی، تولید علم و معادلات کاربردی و مدل‌های اجرایی تاثیر گذار خواهد بود، به گونه‌ای که جهت‌گیری تولید علوم انسانی - اسلامی را هدایت خواهد کرد.»<sup>۱</sup>

نهادهای علمی و تحقیقاتی کشور نیازمند یک مدیریت شبکه‌ای تحقیقاتی هماهنگ است که به صورت غیرمتمرکز و نه متمرکز (عمدتاً از طریق نرم افزار) اداره شود، بدین ترتیب دیگر سازمان‌های موازی تحقیقاتی و بی‌ارتباط با هم در حوزه‌های علمیه، اندیشکده‌ها و فرهنگستان‌ها، پژوهشگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌ها و حتی نظام اجرایی نخواهیم داشت. بلکه مدیریت مجموعه تحقیقات نهادها و دستگاه‌ها در حوزه علوم انسانی - اسلامی در یک شبکه هماهنگ صورت می‌پذیرد. بگونه‌ای که فعالیت‌های

۱ - دفتر فرهنگستان علوم اسلامی، مرداد ۸۲، نرم افزار مهندسی تمدن اسلامی، معاونت پژوهش‌های بنیادی.

تحقیقاتی و پژوهشی بصورت نظام پژوهشی، مکمل یکدیگر عمل می کنند طبعاً محصول این شیوه تحقیقات بصورت کارآمد و هماهنگ در جهت پیشرفت همه جانبه جامعه اسلامی ظاهر می شود.

بنابراین به نظر می رسد که عامل اصلی معضلات و چالش های چند دهه گذشته و مسائل فراروی نظام اسلامی تعارض بین تفقه دینی و علوم سکولار از جمله علوم انسانی موجود است و راه حل اساسی آن ایجاد مدیریت شبکه ای تحقیقات، هماهنگ بر مبنای اسلام ناب محمدی (ص) است. تا کلیه نهادهای علمی کشور از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی - شورای عالی حوزه های علمیه - اندیشکده ها و فرهنگستان ها، پژوهشگاه ها و دانشگاه ها به سمت یک هدف واحد هماهنگ شوند، بگونه ای که موضوعات، روش ها و کارآمدی تحقیقات در جهت تولید علوم انسانی - اسلامی قرار گیرد.

در این مقاله سعی شد پاسخی اجمالی اما روشن به سئوالات مطرح از سوی نخبگان حوزوی و دانشگاهی در خصوص تقویت مدیریت نظریه پردازی بومی و راهبردهای تولید و توسعه نظریه پردازی در علوم انسانی - اسلامی از طریق الگوی مدیریت شبکه ای داده شود. امیدواریم این پاسخ زمینه ساز هم اندیشی و ورود دیگر نخبگان متعهد، آگاه و بیدار به این عرصه راهبردی و حساس باشد.

عبدالعلی رضایی

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی

۱. قرآن کریم
  ۲. نهج البلاغه
  ۳. قانون اساسی
  ۴. بیانات مقام معظم رهبری، در محضر ولایت، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱/۹/۲۶، ۱۳۷۰/۱۲/۶
  ۵. پایگاه اینترنتی مقام معظم رهبری، ([www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir))، ۱۳۸۸/۶/۸
  ۶. سیاست های کلی نظام در بخش فرهنگ، مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ۴
  ۷. میرباقری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۸۹، گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی، ناشر موسسه فجر ولایت،
  ۸. چشم انداز مطلوب فرهنگی حوزه های علمیه، پیروزمند، علیرضا، موسسه فرهنگی فجر ولایت، ۸۴
  ۹. دفتر فرهنگستان علوم اسلامی، مرداد ۸۲، نرم افزار مهندسی تمدن اسلامی، معاونت پژوهش های بنیادی.
  ۱۰. دانشگاه آزاد واحد خمین، خرداد ۸۹، نهضت تولید علم از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری.
  ۱۱. گروه پژوهشی راهبردی فرهنگستان علوم اسلامی، شهریور ۸۸، طرح کلیات الگوی مدیریت شبکه ای کلان دستگاه های فرهنگی.
  ۱۲. گروه پژوهش های راهبردی فرهنگستان علوم اسلامی، ۸۹، چاپ اول، ۱۳۷۶، توسعه تفاهم علمی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، مرحله تغییرات مدیریت شبکه ای تحقیقات، جزوه فرهنگستان علوم اسلامی، الگوی طراحی سازمان مدیریت شبکه ای تحقیقات.
  ۱۳. دانشجو خانم فردوس قماشچی، استاد راهنما حجت الاسلام و المسلمین عبدالعلی رضایی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله الاعظم (عج)، دانشکده بهداشت.
  ۱۴. مانوئل کاستلز، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، چاپ چهارم، ۸۴، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه ای)، جلد اول، انتشارات نشر نو،
- ۱۵.
۱۶. Broering NC, Hylton JC, et al. (۱۹۹۱). Bio SYNTHESIS: access to Knowledge network of health sciences databases. J Med syst. ۱۵ (۲): ۱۳۹-۱۵۳
  ۱۷. Gabrieli ER. (۱۹۷۸). Medical information system, health records, and knowledge banks. Med Instrum; ۱۲(۴): ۲۴۵-۲۴۷
  ۱۸. Lverson DC, calonge BN, et al. (۱۹۸۸). The development and management of primary care research network, ۱۹۷۸-۸۷. Fam Med; ۲۰(۳): ۳۵۰-۳۵۶
  ۱۹. Lauf, Hayward R. (۲۰۰۰). Building a virtual network in a community health research training program. J Am Med Inform; ۷ (۴): ۳۶۱-۳۷۷